

### متن پرسش

سلام. جناب استاد شما به کرات بیان کرده اید که در غرب انسان محور است اما در اسلام خدا محور می باشد و انسان بنده ی خدا می باشد. آیا می توان با تعریف صحیح و همه جانبه انسان از منظر اسلام انسان تعریف شده را محور هستی دانست و دیگر به آن انسان محوری اومانيسم نگفت و به معنای ولقد کرمتنا بنی آدم ویا الم تر ان الله سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض گرفت و اساساً آیا شعار انسان محوری که غرب می دهد مصادره به مطلوب کردن شعاری اسلامی نیست چون اساساً اومانيسم به معنای حقیقی انسان خدایی است و نه انسان محوری و مسلمین در شعار انسان محور هستی دادن از تمامی مکاتب و ادیان اولی تر می باشند کدام مکتب بیان می کند که مسیر کمال تمامی موجودات از طریق انسان است و اگر بخواهد به ایده آل خود برسد از مسیر انسان استویاً تمامی هستی برای انسان آفریده شده است و... و این تعبیر حضرت آقا نیز بدین معناست که... رکن دوم، تکریم انسان است یا می توانیم به آن بگوییم انسان محوری. البته انسان محوری در بینش اسلامی، به طور کلی با اومانيسم اروپای قرن ۱۹ و ۱۸ متفاوت است. آن یک چیز دیگر است این یک چیز دیگر. آن هم اسمش انسان محوری است اما این ها فقط در اسم شبیه همدند. ۷۹/۰۹/۱۲

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در اومانيسم نسبت به خلیفه اللهی انسان غفلت می شود در حالی که در نظر به خلیفه اللهی بودن انسان، تماماً نظر به خدا و اسماء الهی مطرح است. در کتاب «انسان از تنگنای بدن تا فراخنای قرب» عرایضی در مورد تفاوت انسان در منظر اسلام با اومانيسم داشته ام. موفق باشید